

سیرت و راه آنان به نگارشی در می آید تا مردم از اقوال عملگر آنان در زندگی دنیا در آمیزند و با عمل پیش خود سازند چرا که سیرت ابوبکر از قوی ترین مهادر ایمانی است که عاطفه و احسان در است اسلامی به همراه فهم و شناخت صحیح از دین را به ارمغان می آورد.

حکمت ابوبکر نزد بزرگترین صحابه و مشاوران پیامبر اسلام بود وی از بارگاه رسالت دو لقب بارزیش «عقیق و صدیق» به او عنایت کردید و نیز او را «ذوالخللال و شیخ الخلفاء و یار غار نبی» می گویند.

**موقعیت ابوبکر صدیق پیش از اسلام -**

قبل از اسلام ابوبکر از جمله شخصیت های سرشناس و بارز و قابل احترام قریش بشمار می آمد ایشان مهم ترین شخصیت قبیله بنو تمیم بودند ایشان از سرداران عونه نامدار قریشی شمرده می شد پیش این بود که بداد هر دردی مندی اسیدی می کرد و هر مهربانی کرده ای را یاری می داد. او برای معیان نوازیش در مکه مکره بسیار مشهور بود در جمع آوری خون بیما و پرداخت مبالغ گزافه تنها به ایشان اعتماد می شد. وی در دوره پیش از اسلام یکی از افراد برجسته و بلکه از اشراف بزرگوار قریش بود وی قبل از اسلام نیز از زندگی پاک و اخلاقی و الا بر خود را بود تا بدانجا که قبل از اسلام نوشیدن شراب را بر خود حرام کرده بود روزی شخصی بر او دید که شراب نوشیده است بود در عالم منی از خود بی خود شده با دستش کثافت ها را می مالید. حکمت ابوبکر با دیدن این صحنه زشت و بوی بد از آنجا دور شد.

**دوری از دینت ها - ابوبکر در مقام زندگی پیش هرگز**



در مقابل بی سجده نکرده بود روزی در مجلسی  
از صحابه فرمود: من هرگز در مقابل بت ها  
سجده نکرده ام. وقتی به سن رشد رسیدم  
پدرم ابو قحافه دست مرا گرفته به بتخانه  
برد و گفت: «این مجید و خدای اوست» و  
عظمت و بزرگی شرافت تو در دست اوست.  
سپس مرا در آنجا تنها گذاشت و رفت. من  
به یکی از بت ها نزدیک شده گفتم: من اگر سجده  
ام به من غذا بده. ۱۵ به من لباسی بده. ۱۵ بدم  
را بیوشتم. هیچ جوابی از بت نشنیدم. من  
انرا با سنگی سنگی زدم. بت روی صورتش  
بر زمین غلطید.

این چنین خداوند متعال ابو بکر را بخاطر  
عقل روشن و بیدار فطرت سلیم و پاکش  
و بخاطر اخلاق و رفتار پسندیده اش از  
انجام تمام کارهای احمقانه ای که باعث لکه دار  
شدن اینتر و عزت و شرافت و کرامت استانی  
در تصادف دور نگه داشت. ایشان در زمان  
جاهلیت نیز الگوی خوبی ها و بزرگ منشی به  
حساب می آمد. شکیلی با اخلاق کردار و رفتار  
نور و زبانزد خاص و عام بود زبان اهل مکه  
از بیان صفات حمیده و اخلاق پسندیده ایشان  
لحنتی داعی استناد.

فرشی که عادت داشت پس از اسلام  
به آوردن افراد برای رسوا کردن آنها کارنامه ها  
ایشان را ورق زده عیب و ایرادهاشان را  
بر ملا کنند، از یافتن کوچکی عیب و ایرادی  
در او عاجز ماند و نتوانست هیچ از طعنه ای بر  
او وارد کند. در نظر آنها تنها عیب ابو بکر  
این بود که به خدای یکتا و رسول پاکش ایمان  
آورده بود.